

نگرش حضرت امام خمینی (ره)

در مورد نظام آموزش و پرورش، دانشگاه و حوزه

دکتر عباس مقبل

۱- دانشگاه در گذشته

دانشگاه ما در گذشته خودی نبود. دانشگاهی بود که بدنبال فرهنگ وارداتی باز شد.^۱ دانشگاهیان گذشته، به استثنای موارد معدود، کوشش می‌کردند رضایت انگلیس و آمریکا را فراهم کنند.^۲ دانشگاه ما در گذشته از فرهنگی از انگلیس و سپس از آمریکا فرمان می‌برد. اقلیتی از مردم شریف در دانشگاه بودند که همراهی نداشتند و نمی‌توانستند صحبت کنند. اینها خون جگر می‌خوردند.^۳ بدآموزیهای دانشگاهی زمان شاه، روشنفکر دانشگاهی را طوری بار می‌آورد که اصولاً ارزشی برای خلق مستضعف قائل نبود و متأسفانه هم‌اکنون هم نیست.^۴ (۱۳۵۹/۱/۱) ه. ش. اشخاصی که در دانشگاه سابق تربیت شدند، برای کشور اگر ضرر نداشتند، که داشتند، نفعی نداشتند الاً قلیلی.^۵

صدماتی که در گذشته از دانشگاه خوردیم به دلیل عدم تعهد در دانشگاه بود. در دانشگاه تفکر اسلامی یا تفکر ملی حاکم نبود.^۶ فارغ‌التحصیلان دانشگاه گذشته وزرا آن وقت و بسیاری وکلای آن وقت بودند.^۷

منشأ این بدبختیها این اساتیدی بودند که متعهد نبودند و زبردست آنها افرادی بیرون آمدند که آن افراد، جامعه ما را به هلاکت رساندند و پیوند مملکت ما را و سران مملکت ما را با شرق یا غرب متصل کردند.^۸ آنچه ما می‌خواهیم بگوییم این است که دانشگاه‌های ما دانشگاه‌های وابسته است. دانشگاه‌های ما دانشگاه‌های استعماری است و دانشگاه‌های ما اشخاصی را تربیت می‌کنند و تعلیم می‌کنند، اشخاصی هستند که غریزه

هستند. معلمین بسیاریشان غریزه هستند و جوانهای ما را غریزه بار می‌آورند.^۹ (۱۳۵۹/۲/۱) ه. ش. اگر این دانشگاه محصول دلخواهی بیرون داده بود، حالا مملکت ما گلستان بود، محتاج به جنگ نبودیم، محتاج به نهضت نبودیم، محتاج به انقلاب نبودیم.^{۱۰} ما نمی‌توانیم امروز هم بنشینیم که مغزهایی که تربیت غربی دارند، بچه‌های ما را تربیت کنند.^{۱۱} با وجود یک دانشگاه فاسد، معاند درست می‌شود مخالف با ملت، با اسلام درست می‌شود.^{۱۲}

۲- اساسی بودن تأثیرات دانشگاه

این دانشگاه و تربیت دانشگاهی است که جوانهای ما را یا طرف غرب می‌کشد یا طرف شرق می‌کشد و آنها را از خودشان تهی می‌کند و وجهه آنها را متوجه به غرب و شرق می‌کند تا اینکه یا شرق غلبه کند و تمام جهات ایران را و شرق را و تمام بلاد مسلمین را از بین ببرد یا غرب غلبه کند.^{۱۳} آنکه می‌تواند ما را وابسته کند و در دامن آمریکا یا شوروری بکشد، دانشگاه است؛ برای اینکه همه چیز ما در دانشگاه است.^{۱۴} هر چه از خوبیها و بدیها برای یک ملت تحقق پیدا می‌کند، وابستگی یا استقلال، در قید و بند بودن و اختناق یا آزادی، تابع تربیتهای دانشگاهی است.^{۱۵} دولتها از دانشگاه تشکیل می‌شود. مجلسها از دانشگاه تشکیل می‌شود. دانشگاه در ارتش دخالت دارد، دست دارد، فرهنگ در ارتش تأثیر دارد. فرهنگ در کوچه و بازار و مردم تأثیر دارد.^{۱۶} استقلال کشور ما منوط به استقلال همین دانشگاه‌ها و

فیضیه‌هاست.^{۱۷} اگر خدای ناخواسته دانشگاه و فیضیه انحراف پیدا کنند، کشور و احکام اسلام به انحراف کشیده می‌شود.^{۱۸} اگر در دانشگاه انحرافی پیدا شود، بعد از سی سال آنها نتیجه‌اش را می‌گیرند. اگر اشخاص غیراسلامی، اگر اشخاص منحرف وارد دانشگاه شوند ولو حالا نتوانند کاری انجام دهند (که عجله هم ندارند کاری بکنند) پس از مدتی مقدرات مملکت به دست آنها می‌افتد.^{۱۹} دانشگاه‌ها در سراسر دنیا در خدمت ابرقدرتها هستند و بوده‌اند و ما می‌خواهیم نباشد این.^{۲۰} انحراف دانشگاه، انحراف کشور^{۲۱} و اصلاح دانشگاه، اصلاح مملکت است.^{۲۲} دانشگاه یعنی همه کشور^{۲۳} دانشگاه یعنی اداره امور کشور^{۲۴} دانشگاه یعنی تربیت نسل آینده و حاضر.^{۲۵} دانشگاه بیشترین نقطه امید دشمن نسبت به جاهای دیگر است.^{۲۶} اسلام با دانشگاه‌ها مخالف نیست؛ با فساد دانشگاه‌ها مخالف است؛ با عقب نگه‌داشتن دانشگاه‌ها مخالف است؛ با دانشگاه استعماری مخالف است.^{۲۷}

۳ - توطئه‌های متوجه دانشگاه

دشمن از خارج در دانشگاه‌ها توطئه می‌کند.^{۲۸} برنامه‌ریزی توطئه و بحران در دانشگاه در مقایسه با جاهای دیگر بیشتر است.^{۲۹} دشمن غائله‌های خود را در کشور و دانشگاه هماهنگ می‌کند^{۳۰} کوشش و هدف دشمن در افساد، از کودکستان تا دانشگاه‌هاست.^{۳۱} آنها برنامه‌هایشان این است که دانشگاه را از فیضیه جدا کنند. هم دانشگاه چشمهای خود را باز کند و هم فیضیه، بداند شما که باز دستهایی در کار است که شماها را از هم جدا کنند.^{۳۲} اگر از یک استاد یا دانشجو انحرافی دیدید، همان دفعه اول گزارش دهید تا جلوی آن گرفته شود.^{۳۳} ما اساتید دانشگاهی را می‌خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوانهای ما را مستقل بار بیاورند، غربی نباشند، شرقی نباشند، روبه غرب نایستند، آتاترک نباشند و تقی‌زاده هم نباشند.^{۳۴} غریزدها با اصلاح دانشگاه مخالفند.^{۳۵} در دانشگاه علیه روحانیت توطئه می‌شود و در حوزه علیه دانشگاهی.^{۳۶} آن قلمها و زبانهایی که کوشش می‌کنند که این دو قشر را از هم جدا کنند، آنها هستند که یا قبله آنها مسکو و یا قبله آنها واشنگتن است و شما هوشیار باشید که این مصلحت بزرگ را، که وحدت دانشگاه و فیضیه است، از دست ندهید.^{۳۷} جدا کردن فیضیه با دانشگاه یکی از خیانتها به کشور است.^{۳۸} اگر چنانچه به دانشگاه‌ها جهت داده نشود، همان

دانشگاه‌هایی می‌شود که در بین بشر هست و از آن دانشگاه‌ها قوای مخربه بیرون می‌آید.^{۳۹} خطر دانشگاه بالاتر از بمب خوشه‌ای است.^{۴۰} دست اشخاصی که می‌خواهند این دانشگاه را به طرف شرق بکشند یا به طرف غرب بکشند آنها را کوتاه کنید و مقدرات دانشگاه را معلمین و اساتید اسلامی به دست بگیرند.^{۴۱} دانشگاه دو راه دارد، راه جهنم و راه سعادت؛ راه ذلت و مسکنت و نوکرمایی و امثال اینها و راه عظمت و عزت و بزرگ منشی.^{۴۲} باید از بدآموزیهای رژیم سابق در دانشگاه‌ها جلوگیری شود.^{۴۳} دانشگاه یک دانشگاه ملی برای ملت باشد، نه اینکه زحمت را ملت بکشد و خرج دانشگاه‌ها را ملت به عهده بگیرد و یک دانشگاهی باشد که اشخاصی که از او بیرون می‌آیند یا قبله‌شان شرق باشد و یا قبله‌شان غرب باشد.^{۴۴} مقدرات دانشگاه را معلمین و اساتید اسلامی به دست بگیرند.^{۴۵}

۴ - اهمیت کار معلمین و اساتید

معلم امانتداری است که غیر همه امانتها، انسان امانت اوست.^{۴۶} امانت اگر انسان شد و به آن خیانت شد، یک وقت می‌بینید خیانت به یک مملکت است؛ خیانت به یک جامعه است؛ خیانت به اسلام است.^{۴۷} اگر در آموزش و پرورش بچه‌ای فاسد از کار درآمد، بچه‌ای با اخلاق شیطانی تربیت شد، با اخلاق استکباری تربیت شد، این امکان وجود دارد که یک کشور را تباه کند. در این صورت ما و شما که مشغول این شغل عظیم هستید، در تمام آنها در خوبیهایشان و هم در بدیهایشان شریک هستید.^{۴۸} در اصلاح دانشگاه و انقلاب فرهنگی، آنکه از همه مهمتر است، قضیه اساتید دانشگاه، معلمان و دانش‌آموزان است.^{۴۹} تمام انبیا معلمها هستند و تمام بشر دانشجو. تمام دنیا باید دو طبقه داشته باشد یک طبقه معلم و استاد و یک طبقه دانشجو و متعلم. وظیفه معلم هدایت جامعه است به سوی الله، و وظیفه دانشجو تعلم.^{۵۰} اگر کشور ما علم بیاموزد، ادب بیاموزد، جهت‌یابی علم و عمل را بیاموزد، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر او حکومت کند.^{۵۱} اساتید دانشگاه اگر دانشگاه را بسازند، کشورشان را تا آخر بیمه کرده‌اند.^{۵۲} معلمین دبیرستانها و دبستانها اگر دانش‌آموزان مهذب تحویل دانشگاه بدهند، کشورشان را از آسیبها نجات داده‌اند.^{۵۳} اگر اساتید دانشگاه فقط همشان درس گفتن باشد و در کنار درس تربیت معنوی و اخلاقی نباشد، اگر در حوزه‌های علمی هم در کنار درس تربیت معنوی و

اخلاقی نباشد، کسانی از دانشگاه و حوزه بیرون خواهد آمد که دنیا را هلاک می‌کنند؛ به هم می‌زنند. رکن آموزش با رکن پرورش باید با هم باشند. انبیا هم مردم را به تهذیب سوق می‌دادند تا به علم.^{۵۴}

۵- فرهنگ و تعلیمات دانشگاهی

آن چیزی که ملتها را می‌سازد فرهنگ صحیح است. آن چیزی که دانشگاه را بارور می‌کند و برای ملت و کشور مفید است، آن چیز محتوای دانشگاه است نه درس.^{۵۵} آموزش وقتی مفید خواهد شد که تزکیه باشد که تربیت روحی و اخلاقی در آن باشد.^{۵۶} تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است. مدرسه‌های ما، دانشسراهای ما، دانشگاه‌های ما و همه مدارس علوم، چه علوم اسلامی یا غیر اسلامی باشد، اینها اگر چنانچه در آنها تربیت باشد، تزکیه باشد، آنها می‌توانند خدمتها بکنند و برای بشر سعادت را به هدیه بیاورند و همه سعادهای بشر از علم و ایمان و تزکیه است.^{۵۷} علمای اخلاق باید برای تربیت اخلاقی هم در دانشگاه و هم در مدارس و هم در همه جا حضور داشته باشند.^{۵۸} توجه دانشجویان به مسائل اسلامی دانشگاه از امور بسیار با اهمیت و ارزشمند و در عین حال بسیار با مسؤولیت است.^{۵۹} از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.^{۶۰} آزادی تنها سعادت ملت نیست، استقلال تنها سعادت ملت نیست، مادیت تنها سعادت ملت نیست، اینها در پناه معنویات سعادتند. معنویات مهم است. بکوشید تا معنویات تحصیل کنید. علم تنها فایده ندارد، علم با معنویات علم است. ادب تنها فایده ندارد، ادب با معنویات معنویات است که تمام سعادت بشر را بیمه می‌کند.^{۶۱} آنان که در صدد برتریها به هر نحو هستند چه برتری در علوم، حتی الهی آن، یا در قدرت و شهرت و ثروت، کوشش در افزایش رنج خود می‌کنند.^{۶۲} درس بخوانید به اسم رب. تبلیغ کنید به اسم رب، گوش کنید به اسم رب، صحبت کنید به اسم رب.^{۶۳} در رفع حجب بکوشید نه در جمع کتب.^{۶۴} ما انقلاب دانشگاه را از محصولش باید بفهمیم. اگر بعد از چند سال دیگر محصول انسانی و اسلامی شد که برای کشور خودش زحمت می‌کشد و کار می‌کند، می‌فهمیم تحول پیدا شده است.^{۶۵} دانشگاه باید به درد ملت بخورد.^{۶۶} دانشگاه متعهد، ضامن سعادت کشور است.^{۶۷} خدمت دانشگاه جبران کننده هر نوع ضایعه است.^{۶۸}

۶- وضعیت مطلوب دانشگاه‌ها

دانشگاه که مغز متفکر یک ملت است وقتی می‌تواند از وابستگیها به شرق و غرب رهایی پیدا کند که فرم اسلامی پیدا کند.^{۶۹} ما می‌خواهیم دانشگاهی داشته باشیم و یک کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی ما را، که مقدم بر همه وابستگیها و خطرناکتر از همه وابستگیهاست، نجات دهد.^{۷۰} دانشگاه باید آدم متعهد به اسلام بیرون دهد که ما را به طرف شرق یا غرب نکشد.^{۷۱} تخصصی که ما را به دامن آمریکا بکشد یا انگلستان یا به دامن شوروی بکشد یا چین، این تخصص، تخصص مهلک است نه تخصص سازنده.^{۷۲} ما دانشگاهی می‌خواهیم که ما را از وابستگیها بیرون بیاورد، ما را مستقل کند. تمام کشور ما را مستقل کند و از وابستگیها خارج کند.^{۷۳} ما می‌خواهیم دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوائج خودمان را خودمان تحصیل کنیم.^{۷۴} ما می‌خواهیم دانشگاهی داشته باشیم که روی احتیاجات این ملت کرسی داشته باشد و برای ملت باشد.^{۷۵} یک دانشگاهی ما پیدا بکنیم که لبریز از تخصص باشد و آرام باشد. در دانشگاه بخواهد آرامش نباشد این دانشگاه نمی‌تواند تخصصهای متخصصین را پذیرا باشد... آرامش دانشگاه‌ها از همه جا لازمتر است.^{۷۶} محیط دانشگاه محیط تعلیم و تعلم است، نه محیط اموری که به کشور ضرر می‌رساند.^{۷۷} دانشگاهی که یک نفر آدم بر آن حکومت کند این دانشگاه نمی‌شود. محیط علم باید محیط آزاد باشد.^{۷۸} ما می‌خواهیم دانشگاهی باشد که همفکر باشد با دانشگاه‌های علمی قدیمی که آنها هیچ روز وابسته به خارج نبودند.^{۷۹} دانشگاه پیوند خودش را با فیضیه محکم کند و فیضیه محکم کند پیوستگی خودش را با دانشگاه.^{۸۰} مدرسه‌های علمی و دینی و تمام مدارسی که در او تحصیل می‌شود، چه تحصیلات علوم دینی باشد یا تحصیلات دیگر باشد، در رأس برنامه‌هایشان در این جمهوری اسلامی باید این معنا باشد که مذهب باشند قبل از اینکه عالم هستند، مذهب باشند قبل از اینکه محصل هستند.^{۸۱} خطر حوزه‌های علمیه بالاتر از خطر دانشگاه است.^{۸۲} باید مسیر دانشگاه با سایر اقشار تطبیق کند.^{۸۳} دانشگاه و حوزه همبستگی همه جانبه داشته باشند.^{۸۴} دانشگاه و مدارس علوم دینی، در مواقع حساس متحد باشند.^{۸۵} در صورتی که دانشگاهی و روحانی به حال ملت مفید باشند، دشمن عقب نشینی می‌کند.^{۸۶} مقصد واحد، عامل پیشرفت است.^{۸۷} دانشگاه باید در

مسائل حیاتی کشور دخالت کند.^{۸۸} در مقابل غرب باید روحیه جسارت در دانشگاهیان ایجاد شود.^{۸۹} عدم شناخت صحیح دانشگاهی از جامعه، علت عقب ماندگی کشور است.^{۹۰} امروزه نیاز مبرم به متخصصان متعهد در علوم دانشگاهی وجود دارد^{۹۱} و لازم است رژیم اسلامی برنامه دانشگاه‌ها را در بلند مدت ترسیم کند.^{۹۲} کنترل نتایج کار دانشگاه‌ها امری لازم است.^{۹۳} باید از یأس جوانان جلوگیری به عمل آید.^{۹۴} باید به توطئه‌های ظریف سیاسی روانی علیه جوانان دانشگاه توجه شود.^{۹۵} لازم است به جوانهای دانشجو و دانشجویان در مقابل تحقیر دشمن شخصیت داده شود.^{۹۶} دانشجویان نباید نسبت به مسائل سرنوشت ساز کشور بی تفاوت باشند.^{۹۷} دانشگاه نسبت به مسائل توطئه کنترل شود.^{۹۸} کنترل دانشگاه‌ها^{۹۹} کنترل مأموریت دانشگاه،^{۱۰۰} کنترل محتوای دانشگاه از غربزدگی،^{۱۰۱} نظارت به همه جهات دانشگاه،^{۱۰۲} عدم اداره دانشگاه‌ها به وسیله غرب و شرق زدگان،^{۱۰۳} لزوم ورود افراد اسلامی در دانشگاه^{۱۰۴} از مسائل اساسی است.

خواست دشمن در عدم وجود تربیت اسلامی در دانشگاه‌هاست^{۱۰۵} لذا باید از کوتاه شدن دست جوانان عزیز دانشگاهی از منابع ناب اسلامی جلوگیری به عمل آید.^{۱۰۶}

منابع و مآخذ

- ۱- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۱۰. (اقتباس)
 - ۲- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۱۰. (اقتباس)
 - ۳- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۱۷.
 - ۴- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۲-۲۳.
 - ۵- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۳۳-۲۳۴.
 - ۶- صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۵۹. (اقتباس)
 - ۷- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۱۰. (اقتباس)
 - ۸- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱۱۳.
 - ۹- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۵۲.
 - ۱۰- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۱۳. (اقتباس)
 - ۱۱- صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۵۰. (اقتباس)
 - ۱۲- صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۵۹. (اقتباس)
 - ۱۳- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱-۲۸۰.
 - ۱۴- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۰۶.
 - ۱۵- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۲۰۶.
- ۱۶- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۱۱.
 - ۱۷- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱-۲۸۰.
 - ۱۸- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۸۸. (اقتباس)
 - ۱۹- صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۲۶۶. (اقتباس)
 - ۲۰- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۰۸.
 - ۲۱- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۲۹. (اقتباس)
 - ۲۲- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۱۴. (اقتباس)
 - ۲۳- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۷۸. (اقتباس)
 - ۲۴- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۷۸. (اقتباس)
 - ۲۵- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۷۸. (اقتباس)
 - ۲۶- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۷۸. (اقتباس)
 - ۲۷- صحیفه نور، جلد ۴، ص ۶۰.
 - ۲۸- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۴۹. (اقتباس)
 - ۲۹- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۲۱۷. (اقتباس)
 - ۳۰- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۲۲۱. (اقتباس)
 - ۳۱- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱۲. (اقتباس)
 - ۳۲- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۸۲.
 - ۳۳- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۱۵.
 - ۳۴- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۳۴.
 - ۳۵- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۸۰. (اقتباس)
 - ۳۶- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۴۶. (اقتباس)
 - ۳۷- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۸۲.
 - ۳۸- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۲۱. (اقتباس)
 - ۳۹- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۲۹. (اقتباس)
 - ۴۰- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۰۹. (اقتباس)
 - ۴۱- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱-۲۸۰.
 - ۴۲- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۱۰.
 - ۴۳- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۲. (اقتباس)
 - ۴۴- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱-۲۸۰.
 - ۴۵- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱-۲۸۰.
 - ۴۶- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۹-۳۰.
 - ۴۷- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۹-۳۰.
 - ۴۸- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۹-۳۰.
 - ۴۹- صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۵۹. (اقتباس)
 - ۵۰- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۳-۵۲.

- ۵۱- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۱-۲۸۰.
- ۵۲- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۲۵-۲۶. (اقتباس)
- ۵۳- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۲۵-۲۶.
- ۵۴- صحیفه نور، جلد ۲۷، ص ۲۰-۲۱. (اقتباس)
- ۵۵- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۱۴.
- ۵۶- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۱۵-۲۱۴.
- ۵۷- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۶۷.
- ۵۸- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۱۷. (اقتباس)
- ۵۹- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۸۸.
- ۶۰- صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۲۴۲.
- ۶۱- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۱۷.
- ۶۲- نقطه عطف، ص ص ۱۱-۱۲.
- ۶۳- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۴-۲۳۴.
- ۶۴- ره عشق، ص ۳۲-۳۳.
- ۶۵- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۱۴. (اقتباس)
- ۶۶- صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۱۳۳. (اقتباس)
- ۶۷- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۰۶. (اقتباس)
- ۶۸- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۱۳. (اقتباس)
- ۶۹- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۴-۲۳۳. (اقتباس)
- ۷۰- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۴-۲۳۳.
- ۷۱- صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۰-۲۱.
- ۷۲- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۴-۲۳۳. (اقتباس)
- ۷۳- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۴-۲۳۳.
- ۷۴- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۳۴.
- ۷۵- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۱۴-۱۱۳. (اقتباس)
- ۷۶- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱۸۴.
- ۷۷- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱۸۴.
- ۷۸- صحیفه نور، جلد ۱، ص ۲۷۴.
- ۷۹- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۳۴.
- ۸۰- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱۵۱.
- ۸۱- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱۱۲.
- ۸۲- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۰۹.
- ۸۳- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۲۸. (اقتباس)
- ۸۴- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۹۷. (اقتباس)
- ۸۵- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۲۵۸. (اقتباس)
- ۸۶- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۱۱. (اقتباس)
- ۸۷- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۱۲. (اقتباس)
- ۸۸- صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۲۴۵. (اقتباس)
- ۸۹- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۱۸۵. (اقتباس)
- ۹۰- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۲. (اقتباس)
- ۹۱- صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۸۰. (اقتباس)
- ۹۲- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۱۸۴. (اقتباس)
- ۹۳- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۲۹. (اقتباس)
- ۹۴- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۱۲۹. (اقتباس)
- ۹۵- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۲۱۸. (اقتباس)
- ۹۶- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۲۰۷. (اقتباس)
- ۹۷- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۱۵۱. (اقتباس)
- ۹۸- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۱۱۹. (اقتباس)
- ۹۹- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۸۳. (اقتباس)
- ۱۰۰- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۱۰۶. (اقتباس)
- ۱۰۱- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۱۸۴. (اقتباس)
- ۱۰۲- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۸۹. (اقتباس)
- ۱۰۳- صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۱۹۲. (اقتباس)
- ۱۰۴- صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۲۶۶. (اقتباس)
- ۱۰۵- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۸. (اقتباس)
- ۱۰۶- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۵۱. (اقتباس)